

جلسات شرح و تفسیر



حجت الاسلام و المسلمین استاد
محمد جواد حاج علی اکبری



موضوع:

جلسه ۷۷ دعای ۲۰ (مکارم الاخلاق)

جلسه ۳۴۶ شرح دعای صحیفه سجادیه

۱۴۰۱/۱۲/۲۲

- آمادگی برای ورود به ماه مبارک رمضان
- درخواست تبدیل القائنات شیطانی
- جایگاه زبان از نظر آشکارسازی باطن
- بیان از اعظم نعمت‌ها است
- حفاظت و شکر نعمت زبان
- جایگاه زبان در محور طراحی‌های شیطان
- زبان، آسان جهنم و آسان بهشت است
- القائنات شیطانی در منطقه زبان
- درخواست تبدیل وسوسه‌های شیطانی برای زبان
- شکرگزاری متفاوت نعمت‌های الهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ردالمند

رمضان. مهم‌ترین فصل مسئله هم استغفار و طلب مغفرت است چنان که نقل شده و آشنا هستید که فرمودند در دهه سوم این دعا را زیاد بخوانند که «اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ غَفَرْتَ لَنَا فِيمَا مَضَى مِنْ شَعْبَانَ فَاغْفِرْ لَنَا فِيمَا بَقِيَ مِنْهُ»^۱ که اگر تا این جای ماه شعبان ما را نیامزیدی از این به بعد در این باقی مانده ما را ببخش. این که انسان با حالت سبک‌باری یعنی با آمرزیدگی وارد بشود به ماه مبارک رمضان این موضوعیت دارد. چون هرچه که از گناه و عوارضش در نامه اعمال ما باشد، در شخصیت ما باشد، این جزء موانع فیض در ماه مبارک رمضان است. برای این که انسان بتواند بهره‌مند بشود باید شستشو کند و زمان آن اکنون است که شستشویی کن و آن گه به خرابیات خرام.

۱ عبون أخبار الرضا عليه السلام ، جلد ۲ ، صفحه ۵۱

«وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي
مَنْ لَفْظُهُ فُحْشٌ أَوْ هُجْرٌ أَوْ
شْتَمٌ عَرَضٌ أَوْ شَهَادَةٌ بَاطِلٌ
أَوْ اغْتِيَابٌ مُؤْمِنٌ غَائِبٌ أَوْ
سَبٌّ حَاضِرٌ وَمَا أَشْبَهَهُ
ذَلِكَ نَطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ، وَ
إِعْرَاقًا فِي الثَّنَاءِ عَلَيَّكَ،
وَ ذَهَابًا فِي تَمْجِيدِكَ، وَ
شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَ اعْتِرَافًا
بِإِحْسَانِكَ، وَ إِحْصَاءً لِمَنِّكَ.»

آمادگی برای ورود به ماه مبارک رمضان

بر همه دوستان و عزیزان و امت و امام ایام مبارک باشد. روزهای دهه سوم ماه معظم شعبان که دیگر از امروز وارد آن شدیم روزهای بسیار حساسی است از نظر آماده شدن برای ورود به ماه مبارک

برسیم به ظاهر ماه و بعد هم بخواهیم که به باطن ماه دست پیدا کنیم که همان برکت و رحمت و مغفرت است. نسخه کلی هم برای آمادگی یک جمع سالم بین دعای ۴۴ صحیفه مبارکه سجادیه است که دعای ورود به ماه مبارک رمضان است و خطبه شعبانیه پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

انسان بین این دو را جمع کند حاصل جمعش می‌شود یک دستورالعمل خیلی شسته و روفته و مشخص که انسان در ماه مبارک رمضان می‌خواهد چه کار بکند که وقتی وارد می‌شود متحیر نباشد.

با برنامه از قبل با آمادگی می‌داند چه کار باید بکند، چه برنامه‌هایی داشته باشد، به صورت خیلی روشنی یکی در قالب توصیه‌های صریح در خطبه پیامبر اعظم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که در همین

با نظافت و نزاهت و طهارت فکری، ذکری، قلبی، باطنی، شخصیتی و اخلاقی و جسمی انسان وارد بشود به ضیافت الهی که «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرَ اللَّهِ»^۲ ماه خدا دارد می‌آید به سوی شما «قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ» هم در آن برکت هست، هم رحمت هست، هم مغفرت هست که «شَهْرٌ دُعِيتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَافَةِ اللَّهِ وَ جُعِلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ» با همه آن اوصافی که دارد.

ان شاءالله که خدای متعال توفیق بدهد ماها ان شاءالله با آمادگی وارد شویم و البته یک توفیق اساسی‌تر هم این است که اصلاً ما برسیم به ماه رمضان. یعنی این را انسان بخواهد از خدای متعال که ما

۲ خطبه پیامبر اکرم (ص) در آستانه ی

ماه رمضان

رو در ماه مبارک رمضان شب قدر است. شب قدر اگر انسان بخواهد یک دعای جامعی داشته باشد، دعای مکارم است.

درخواست تبدیل القائنات شیطانی

رسیدیم به این نقطه «وَمَا أُجْرِي عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ أَوْ هُجْرٍ...». صحبت از القائنات شیطانی بود، معلوم شد که شیطان برای بندگان خدا دو نوع تیر در کمانش آماده کرده، ملعون در شلیک استاد است. تیرش به خطا نمی‌رود، مگر تیرش به مانع بخورد و الا خطا ندارد. شیطان که شلیک می‌کند تیرش مستقیم می‌خورد به هدف. مگر این که سپر داشته باشید، و الا می‌خوری. دسته اول برای باطن ما است که سه عنوانش این جا مطرح شد «مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوْعِي مِنْ

کتاب شریف مفاتیح در ورودیه ماه مبارک رمضان همان اول ترجمه‌اش در اختیار شما هست. دوم هم از صحیفه مبارکه سجادیه دعای ۴۴ است که در دعای ۴۴ به لسان دعا ولی یک برنامه جامع است برای استفاده از ماه مبارک رمضان.

ان شاء الله دوستان مراجعه کننده در این دهه هم از برکات ماه معظم شعبان در استغفار و دعا و مناجات شعبانیه، انجام کارهای خوب، صدقات، خیرات، مبرات، شاد کردن بندگان خدا و رسیدگی به گرفتارها را ان شاء الله بهرمنند بشوند، دوم هم برنامه‌ریزی برای ماه مبارک رمضان است که انسان با برنامه وارد بشود.

رسیدیم به این قطعه از دعای شریف مکارم الاخلاق. این دعای مکارم را در مناسبت‌های حساس ان شاء الله داشته باشید و مناسبت حساس شما در پیش

التَّمَنَّى وَ التَّظَنِّي وَ الْحَسَدَ». یک توضیحات مختصری عرض کردیم. آنچه که ما این جا از خدای متعال می‌خواهیم به راهنمایی حضرت سیدالسادین (علیه‌الصلوة‌والسلام) تبدیل است «ذَكَرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفْكَرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ» این مربوط به آن سه تیر خطرناکی که متوجه باطن ما است. «فی روعی» یعنی در درون من، باطن من و دل من. این یک فصل است. ضمن این که از آن جا استفاده کردیم این سپر حفاظتی برای این که تیر شیطان به باطن ما اصابت نکند همین‌ها است. «ذَكَرًا لِعَظَمَتِكَ، وَ تَفْكَرًا فِي قُدْرَتِكَ، وَ تَدْبِيرًا عَلَى عَدُوِّكَ» که هم حسد را، هم سوء ظن را، هم آرزوهای باطل را، هر سه را از ما دور می‌کند و ما این جا به سلامت می‌مانیم. تبدیلیش را هم که خواستیم از خدای متعال به توضیحی که گذشت. اما بخش دوم تیرهایی است که شیطان به سمت ظاهر انسان شلیک می‌کند. تیرهایی که برای ظاهر ما در نظر گرفته ملعون، برای همه اعضا و جوارح ما هست. یعنی برای هر عضوی از اعضای ما تیر مناسب آن جا را دارد یعنی همان وسوسه مناسب ما. در روایت نگاه حرام فرمود «النَّظْرَةُ سَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إبْلِيسَ» این یک تیری است از تیرهای مسموم شیطان. یعنی خودتان مواظبت کنید. برای چشم ما دارد، برای گوش ما دارد، برای دست ما، برای پای ما دارد، برای تمام اعضا و جوارح ما تیر مخصوص آن را یعنی همان وسوسه مخصوص آن را دارد، کارش هم وسوسه‌انگیزی است. اما در این قطعه امام

درون‌تان محبت داشته باشید می‌ریزد به زبان‌تان منتشر می‌شود. در درون‌تان هدایت داشته باشید می‌ریزد به زبان‌تان جریان پیدا می‌کند. این جریان پیدا می‌کند در محیط عالم. در درون‌تان احساس داشته باشید، ندامت داشته باشید، پشیمانی داشته باشید، به زبان‌تان جاری می‌شود. در درون‌تان خشم داشته باشد، عصبانیت داشته باشد به زبان جاری می‌شود، در درون‌تان نفرت داشته باشید بغض داشته باشید به زبان، در درون‌تان کینه داشته باشید به زبان، یعنی این زبان یک چیز عجیبی است. این که گفتند «الْمَرْءُ مَجْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ»^۳ یعنی هر کسی زیر زبانش مخفی است.

(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در آن محور طراحی‌های ظاهری شیطان یک مورد را انتخاب کرده و آن هم زبان است. «وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي». آن چیزهایی که شیطان بر زبان ما جاری می‌کند. این‌ها را حضرت یک فهرست این‌جا مطرح می‌کنند باز توقع تبدیل این‌ها را دارند.

جایگاه زبان از نظر آشکارسازی باطن

جایگاه زبان در اعضا و جوارح انسان از نظر آشکارسازی باطن ما، یک جایگاه ویژه‌ای است. باطن انسان بر زبان انسان آشکار می‌شود. شما در درون‌تان، در باطن‌تان نور داشته باشید می‌ریزد به زبان‌تان بعد اشاعه پیدا می‌کند. در درون‌تان حکمت داشته باشید می‌ریزد به زبان‌تان تجلی می‌کند. در

بیان، از اعظم نعمت‌ها است

برای عظمت این نعمت کافی است مراجعه به سوره مبارکه «الرحمن» داشته باشیم. می‌گوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الرَّحِيمِ الرَّحْمَنِ»^(۱) «عَلَّمَ الْقُرْآنَ»^(۲) «خَلَقَ الْإِنْسَانَ»^(۳) «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» این چند آیه به نظر این کمترین از اعاجیب آیات قرآنی است. از شگفتی‌های آیات قرآن همین دو سه آیه اول سوره مبارکه «الرحمن» است. وقتی می‌گوید «الرَّحْمَنُ» * «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» بعد می‌گوید «خَلَقَ الْإِنْسَانَ» یعنی قبل از آفرینش انسان، خدای متعال قرآن را تعلیم کرده. بعد می‌گوید «خلق الانسان». به کی تعلیم کرده؟ کی دریافت کرده؟ چون تعلیم طرف می‌خواهد، «علم» به کی؟ که از همین جا براساس دلالت‌هایی که داریم می‌توجه می‌شویم به نور اول، به وجود اقدس

حضرت خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در مقام نورانیت و بعد از این جا معلوم می‌شود خداوند تبارک و تعالی برای من و شما این نسخه الهی را، این قرآن عظیم را چه زمانی آماده کرده بوده. وای بر ما از غفلت‌مان در باره قرآن، از قدرناشناسی‌مان، از ناسپاسی‌مان در باره نعمت قرآن کریم. «علم القرآن» بعد می‌گوید «خلق الانسان». در روایت هم دارد که ما هزاران سال قبل از این که آدم آفریده بشود در جایگاه خودمان مشغول تسبیح و تقدیس پروردگار متعال بودیم. این جلوه علم الهی است. حالا دقت کنید «خلق الانسان» خیلی خب انسان را خلق کردیم، قبلاً چی گفته بود؟ «علم القرآن» حالا بعد از این که صحبت از خلقت انسان است، حالا انسان آفریده شد؛ این جا خدای

می‌خواهند چون در معرض آسیب و آفت هستند. شکر می‌خواهد برای این که ما از این نعمت بهره‌مند بشویم در سیر الی الله تبارک و تعالی و جلب عنایت حق تبارک و تعالی. فصل اول آن حفاظت از طراحی‌های شیطان است. فصل دوم آن عمل به راهنمایی‌های خدای متعال و اولیاء خدا است. این دو پیش روی انسان است. کل عمر انسان را پوشش می‌دهد و آثارش حیرت‌انگیز است، غیرقابل تصور است.

جایگاه زبان در محور طراحی‌های شیطان

وقتی انسان زبانش را باز می‌کند چه اتفاقی می‌افتد؟ اصلاً قابل احصاء نیست، زبان در سازندگی بی‌نظیر است، در سوزندگی بی‌نظیر است، در پیش بردن کار شما در نسبت شما با خدای متعال

متعال می‌خواهد یک «عَلِمٌ» دیگر بگوید. می‌گوید «عَلَّمَهُ الْيَانَ». خب خیلی چیزهای دیگر را هم خدای متعال به انسان تعلیم کرده، اما از بین همه آن‌ها، آن که خدای متعال انتخاب می‌کند در صدر سوره بعد از جریان خلقت، بیان است. «عَلَّمَهُ الْيَانَ» و بیان مال لسان است. خیلی نعمت عجیبی است. خیلی بزرگ است.

حفاظت و شکر نعمت زبان

آن وقت هر چه نعمت حساس‌تر و بزرگ‌تر باشد آفت آن بزرگ‌تر و آسیب‌هایش خطرناک‌تر است. بیان از اعظم نعمت‌ها برای انسان است. این نعمت نیازمند حفاظت و شکر است. دو کلمه است؛ باید اولاً آن را حفظ کنیم، ثانیاً شکرگزاری کنیم. همه نعمت‌ها حفاظت و شکر می‌خواهند. حفاظت

این قدر مسئله حساس است.

زبان، آسان جهنم و آسان بهشت است

آن وقت برای جهنم رفتن آسان‌ترین راه زبان است. و برای بهشت رفتن آسان‌ترین راه باز زبان است. یعنی این قدر سریع انسان را به رضای الهی نزدیک می‌کند و کلاً هم خصوصیتش این است که کم زحمت و کم خرج است. همین جور یک حرکتی می‌دهی، این تصویرت می‌شود، این صدا بیرون می‌آید. البته مجموعه چیزهایی که باید دست به دست هم بدهند تا ما صحبت کنیم، تا حرف بزنیم، تا از زبانمان استفاده کنیم یک مجموعه عظیمی است که این‌ها باید دست به دست هم بدهند. این هم خوب است انسان برود مطالعه کند، این

بی‌نظیر است، در خراب کردن ارتباط شما با خدای متعال هم بی‌نظیر است. یک کلمه ارتباطی را قطع می‌کند. انسان وقتی مرتکب غیبت می‌شود که از همین زشتی‌های زبان است، وقتی مرتکب شد در روایت دارد چهل روز ارتباط با آسمان قطع می‌شود. هر چه ناله بزند، مناجات بخواند، بالا نمی‌رود. حالا تا بتواند استغفار کند، طلب مغفرت کند، حلالیت بطلبد، ارتباطش را با آن کسی که به او آسیب زده اصلاح کند، شاید اگر قبل از این چهل روز انجام داد برگردد و آلا تا این چله رابطه خراب است. گاهی هم انسان یک کلمه می‌گوید اگر هیچ کار دیگری نکرده باشد بعد از آن کلمه بمیرد مستقیم می‌رود بهشت. این معجزه کلمه است، یک کلمه می‌گوید بهشتی، یک کلمه می‌گوید جهنمی.

اجتماعی ما براساس همین سخن و کلام است. در روابط الهی ما یک فصل مفصلی است زبان انسان با خدای متعال حرف می‌زند، برای مناجات و دعا و... خیلی است. بحث‌های دیگر علمی و مبادله علم و مبادله عواطف و این‌ها، بحث‌های مفصل خودش است.

امام سجاد (علیه‌السلام) که استاد کل است، این جا که مسئله عملیات شیطان را وسط دعای مکارم مطرح می‌کند می‌رود سراغ زبان و کاری به بخش‌های دیگر این جا ندارد. لذا می‌فرماید «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَا يُلْقَى الشَّيْطَانُ فِي رُوعِي» آن باطن، می‌آید سراغ ظاهر «وَمَا أُجْرِي عَلَى لِسَانِي» آن که می‌اندازد سر زبان من، آن را خدا به فریاد من برس. آن که به زبان من جاری می‌کند. «وَمَا أُجْرِي عَلَى لِسَانِي». یادمان باشد همه گفتارهای

آسان نیست. چه وقت معلوم می‌شود؟ وقتی که آدم نتواند حرف بزند یا این آسیبی پیدا بشود. و اتفاقاً از جاهایی است که خیلی هم آسان خراب می‌شود. گاهی یک ویروس خیلی مختصری می‌آید شما می‌بینی دیگر نمی‌توانی حرف بزنی. آن وقت می‌رود دکتر سر در نمی‌آورد، اگر زبان آسیب بیند اصلاحش جزء پیچده‌ترین بخش‌ها است. هم تشخیص آن، هم درمانش. خیلی پیچیده است. وقتی که امکانش هست و شما به سلامت هستید، این نعمت برای شما فعال است استفاده از آن خیلی آسان است. چون استفاده از آن خیلی آسان است، آسان جهنم، آسان بهشت است. چون زود آدم استفاده می‌کند و این کلمه را می‌گوید، به کار می‌گیرد. بالای هفتاد درصد روابط

زشت و ناشایست این‌ها تمام‌شان القائنات شیطانی است. یعنی آن کسی که فکر و دلش دست شیطان باشد، زبانش به گفتار زشت و نامناسب و ناهنجار گشاده می‌شود. لذا کلمه «أَجْرِي» این دقیق است، «أَجْرِي عَلَيَّ لِسَانَهُ» این جاری می‌کند روی زبان من. جنس آن لفظ است، آن که جاری می‌کند لفظ است، یعنی همین که ما پرتاب می‌کنیم «لَفْظًا» این را شلیک کرد، پرتاب کرد. به کلمات از این جهت لفظ می‌گویند، چرا لفظ می‌گویند؟ چون مثل این که آن را شوت می‌کنید، پرتابش می‌کنید به بیرون. از این جهت می‌گویند لفظ. قرآن کریم هم می‌گوید «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۴ از زبان شما این لفظ، این کلام که در قالب صوت طراحی شده است،

این که خارج شد فوراً آن فرشتگان محافظ دریافتش می‌کنند، می‌رود در حساب و کتاب. این کلمه به محض این که از زبان شما خارج بشود این فرشتگان مأمور این را از شما دریافت می‌کنند. برای این‌هایی که هدر و بی‌حساب همین طور تند تند حرف می‌زنند پرده کنار برود می‌گویند کاش ما لال بودیم، ما اصلاً از مادر لال متولد می‌شدیم. چه کردیم با خودمان، چون پای هر کدام باید جواب بدهیم. همین طور پشت سرهم شلیک، بعضی‌ها مسلسل هستند، رگبار هستند، همین جور بدون فکر، بدون تأنی، بدون محاسبه، بدون اندازه‌گیری، بدون سنجش عواقب، خب چه می‌شود این را من دارم می‌گویم، می‌توانم از عهده جوابش بریایم؟ این قدر مطلب حساس است.

زشت و ناشایست این‌ها تمام‌شان القائنات شیطانی است. یعنی آن کسی که فکر و دلش دست شیطان باشد، زبانش به گفتار زشت و نامناسب و ناهنجار گشاده می‌شود. لذا کلمه «أَجْرِي» این دقیق است، «أَجْرِي عَلَيَّ لِسَانَهُ» این جاری می‌کند روی زبان من. جنس آن لفظ است، آن که جاری می‌کند لفظ است، یعنی همین که ما پرتاب می‌کنیم «لَفْظًا» این را شلیک کرد، پرتاب کرد. به کلمات از این جهت لفظ می‌گویند، چرا لفظ می‌گویند؟ چون مثل این که آن را شوت می‌کنید، پرتابش می‌کنید به بیرون. از این جهت می‌گویند لفظ. قرآن کریم هم می‌گوید «مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ»^۴ از زبان شما این لفظ، این کلام که در قالب صوت طراحی شده است،

۴ آیه ۱۸ سوره ق

القائات شیطانی در منطقه زبان

است که ترک شده است یعنی آدم‌ها دوست ندارند در مناسبات‌شان مطرح بشود. این می‌شود هُجر. یا بفرمایید به معنای یاوه‌گویی است؛ هُجر. یعنی همین جور بی‌حساب و کتاب حرف زدن، قاطی پاطی صحبت کردن. صحبت‌های غیرمفید بی‌نظم آشفته از این ور و آن ور، از این جنس است. «أَوْ شَتْمٌ عِرْضٍ» در فارسی آن هُجر به معنای هذیان است، هذیان هم گفته می‌شود. پس یا کلمات نامناسبی که به حد فحش نمی‌رسد یا هذیان‌گویی است.

«أَوْ شَتْمٌ عِرْضٍ» شتم می‌گویند ضَرْبٌ و شتم. دعوا که می‌شود دو اتفاق در دعوا می‌افتد. یکی دست آدم فعال می‌شود، می‌شود ضَرْب. یکی این زبانش فعال می‌شود، می‌شود شتم. غرض ناسزاگویی است، «شتم

لذا این جا امام (علیه‌السلام) فوری توجه ما را جلب می‌کنند به القائات شیطانی در منطقه زبان که آن منطقه ظاهر شخصیت ما است. چند نمونه هم این جا حضرت ذکر می‌کند البته بعد هم امتدادش را باز می‌گذارد و دیگر اشبه ذلک.

حضرت فرمودند «مِنْ لَفْظَةٍ فُحْشٍ» فحش، نیاز به ترجمه ندارد. کلمات زشت که این‌ها را طبع انسان‌ها نمی‌پسندد، یعنی اگر شما به کسی بگویی خراب می‌شود، حالش بد می‌شود.

دوم: «أَوْ هُجْرٍ» هُجر یا هُجر، هر دو درست است. یکی به معنای باز کلمات نامناسب گفتن است، خیلی که زشت بشود می‌شود فحش، درجه زشتی‌اش که می‌آید پایین‌تر باز هم آن کلمات نامناسبی است متنها فحش نیست. کلمات مهجور است، چیزهایی

«عَرَضٌ» ضربه زدن به آبرو. عَرَضٌ هم به معنای آبرو است. آبرو همین جور ذره ذره جمع می‌شود. لذا اگر کسی شتم کند پیش خدای متعال خیلی مبعوض واقع می‌شود. یعنی یک کسی ذره ذره این آبرو برای او، از خانواده، از حیثیت اجتماعی، از پدر، مادر، استاد، موقعیت، خدمات، زحمات، این‌ها را جمع می‌کند بعد یک دفعه یک کسی شروع کند با این آب بازی کردن و زبان انسان این جاها خیلی گاهی به خطا می‌رود. پس «شتم عرض» آسیب زدن زبانی به آبروی دیگران. همه این‌ها همان «اجری علی لسانی» است، آن کار شیطان، وسوسه‌انگیزی شیطان به زبان ما است. بعدی «أَوْ شَهَادَةٌ بَاطِلٍ»، شهادت دادن دو نوع است. حَقُّ است، باطل است. شهادت حق

واجب است؟ بله. شهادت باطل هم حرام است؟ بله. انسان در باره یک کسی اظهار کند، یک گزاره‌ای را تقدیم بکند حالا یا دادگاه باشد یا در غیر دادگاه باشد، یا پیش یک کسی باشد که این مؤثر است. می‌گوید من می‌دانم راجع به فلانی، می‌بینی یک زندگی خراب شد. عجب! یک اظهار نظری می‌کنی؛ زندگی خراب می‌شود، پرونده خراب می‌شود. چون دارد می‌گوید من می‌دانم. یعنی من راجع به فلانی این را دیدم، از او شنیدم، این را این جوری به من گفت، این جوری فهمیدم. حالا بیا درستش کن. بعدی می‌شود «أَوْ اغْتِيَابِ مُؤْمِنٍ» یا غیبت یک مؤمنی را انسان بکند. این اغتیاب هم که معلوم است، در شرایطی است که او نیست. عیبی، نقصی در باره خودش،

عیب‌هایی را که او دارد در روی او بگوییم. دیدید بعضی‌ها تا به طرف می‌گویند آقا جان پشت سرش نگو، جوابت را چی می‌دهد؟ می‌گوید در روی او هم می‌گویم. خاک بر سرت. چقدر تو آدم بدی شدی. می‌گوید در روی او می‌گویم. البته دروغ می‌گوید. صدی نودی این‌هایی که می‌گویند من در روی او می‌گویم دروغ می‌گویند. امتحان کنید. گیر بدهید که نه من باید روبرو کنم، دروغ می‌گویند. ولی به فرض هم که بگویی، خب جلوی او بایستی آن اشکالتش را بگویی، مثلاً جلوی او ایستادی، ای کذاب! این می‌شود سبّ حاضر، جلوی او. ای شیاد، ای اختلاس‌گر، ای فلان، ای ظالم، ای فاسق، به خود طرف انسان خطاب بکند دیگر بدتر. خب البته از غیبت بدتر نیست. درجه‌اش خیلی پایین‌تر است

خانواده‌اش، ماشینش، خانه‌اش، شغلش به صراحت، به کنایه، همه این‌ها غیبت است. بعد می‌رود ذیل یک عنوان تحریمی عجیب و غریب. نداریم تقریباً این قدر عجیب و غریب از جهت حرمت. که من یک وقت یادتان هست برای شما مباحثه کردم گفتم شاید سرّش این باشد که در غیبت یک نامردی عجیبی هست که خود طرف نیست. امکان دفاع از خودش را ندارد. لذا با چیزی تشبیه نمی‌شود انسان پشت سر کسی حرف بزند. خیلی احتیاط کنیم، خیلی احتیاط می‌خواهد. این «غَائِب» می‌خورد به همین غیبت بعد بلافاصله می‌فرماید «أَوْ سَبِّ حَاضِر» یک مؤمنی الان هست ما شروع کنیم به او با زبان مان جفا کردن. این می‌شود سبّ. کلمات بدی را، نواقصی،

«وَمَا أَجْرِي عَلَى لِسَانِي»
 از این چیزها و اشباه و نظایر
 آن، «نَطَقًا بِالْحَمْدِ لَكَ» این را
 برای ما تبدیل کن. آن وقت
 این جا یک فهرست دارد
 ظاهراً شش گانه است. شش تا
 آورده از آن تیرهای شیطان، شش
 تا هم مقابلش آن نعمت‌هایی
 است که خدای متعال از طریق
 زبان ما را به آن می‌رساند.
 یعنی جمال زبان انسان است،
 جمال بیان است. جالب است
 بدانید این جا همه و همه‌اش
 شرح جمال دلدار است، جمال
 حق است. تمام عالم جمع
 بشوند نمی‌توانند زبان تو را
 فعال کنند، مولا این نعمت
 را در دستگاه وجودی تو
 قرار داده و پشتوانه‌اش ذهنت
 هست، این هوشی که پشت
 سر زبان هست خیلی چیز
 عجیبی است که مربوط به
 روح انسان است. در مغز شما،
 در عواطف شما، در احساسات

ولی خب چیز بدی است. پس
 این هم شد «سَبِّ حَاضِرٍ».
 بعد امام (علیه‌السلام) این جا
 این را باز گذاشت گفت اگر
 بدانید چقدر در چله‌اش برای
 زبان‌تان دارد «وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ»
 یعنی شبیه همین چیزهایی
 که گفتیم که بعضی احصاء
 کردند. بعضی‌ها می‌گویند
 مثلاً بیش از بیست گناه به
 وسیله زبان است. بعضی‌ها از
 سی هم رفتند بالاتر، احصاء
 کردند. این‌ها یعنی آفاتی
 است که متوجه زبان است.
 خیلی مراقبت می‌خواهد.

درخواست تبدیل وسوسه‌های شیطانی برای زبان

حالا می‌گوییم خدایا این
 وسوسه‌های شیطان برای
 زبان‌مان را تبدیل کن، اول
 گفتیم «اجْعَلْ مَا يُلْقَى
 الشَّيْطَانُ»، این جا می‌گوید

عَلَيَّكَ» اغراق. اغراق کردن در ثناخوانی برای حضرت حق تبارک و تعالی. «وَذَهَاباً فِی تَمْجِيدِكَ» من با این زبانم مشغول تصویرگری عظمت و بزرگی و مجد و کبریای تو باشم. «ذَهَاباً فِی تَمْجِيدِكَ» چه به خودت بگویم چه در باره مجد تو به دیگران بگویم. «وَشُكْرًا لِنِعْمَتِكَ» شکر نعمت‌ها، زبان من را باز کن برای شکر خودت. چه به خودت بگویم، چه در برابر دیگران شکر و نعمت‌های تو را به جا بیاورم «شُكْرًا لِنِعْمَتِكَ، وَ اعْتِرَافًا بِاِحْسَانِكَ». تو هر وقت که زبانت باز می‌شود داری نق می‌زنی، داری غر می‌زنی، می‌دانی داری چه خرابکاری به بار می‌آوری؟ دیدید با بعضی‌ها آدم می‌نشیند دائم دارد ناله می‌کند. می‌گوید حالم خراب است، این جوری

شما، در جان شما، آن را هم که گذاشته پشتوانه‌اش، تا تو اولاً این «عَلِمَهُ الْبَيَان» را به کار بگیری برای گفتگوی با خدای متعال؛ با خدا صحبت کنی یا در باره خدای متعال صحبت کنی، وصف جمال حق بگویی. حمدش بگویی، به خودش بگویی، با دیگران در باره او بگویی. ما چقدر راجع به خدای متعال با دیگران صحبت می‌کنیم؟ مدام مشغول چرت و پرت گفتن هستیم. بابا این زبان برای ترسیم وصف جمال حق است، از او بگو، در باره او بگو، به او بگو. این خط ارتباطت را فعال کن. آن وقت این جا را نگاه کنید چه کرده امام سجّاد (علیه‌السلام)، می‌فرماید «وَمَا أُجْرِي عَلَيَّ لِسَانِي مِنْ لَفْظَةٍ..» این الفاظ من را حلالاً تبدیل کن به این‌ها: «نُطْقًا بِالْحَمْدِ لَكَ» حمد. «وَ اغْرَاقًا فِی الثَّنَاءِ

در خلوت خودش این تسبیح را بگیرد شروع کند به حمد، همین با لفظ الحمدلله که می‌دانید زیباترین و کامل‌ترین کلمه همین کلمه الحمدلله است. شروع کند «احصاء لمننک» الحمدلله. خوب از کجا شروع کند، نمی‌داند از کجا شروع کند. شما از وجود اقدس پیامبر اعظم شروع کن. الله اکبر، تمام نمی‌شود. یعنی اگر همه عمرت مشغول حمد باشی که خدای متعال پیغمبر را به شما داده، اصلاً کلاً تمام تلخی‌های زندگی شیرین می‌شود. می‌گویی می‌شناسمش، الحمدلله، آقام هست، الحمدلله، فرستاده خداست به سوی من، الحمدلله، قرآن را برای من آورده، الحمدلله، از جمالش الحمدلله، از جلالش الحمدلله، از اخلاقش و... همین جور شروع کند الحمدلله، تمام نمی‌شود

شد، از مریضی جسمی، از مریضی روحی، از این، از آن. در حالی که باید با این زبان نسبت به احسانی که در باره من داشتی اعتراف کنم «و اعترافاً بإحسانک».

شکرگزاری متفاوت نعمت‌های الهی

خدای متعال خیلی دوست دارد که انسان احسانی را که حق تبارک و تعالی در باره او داشته این‌ها را دائم اعتراف کند. که چه کردی در باره من. پایانی‌اش «وَ إِحْصَاءَ لِمَنْنِكَ» «منن» جمع منت است، منت به معنای نعمت است. نعمت وقتی بزرگ می‌شود می‌شود منت. در باره بعثت خدای متعال می‌گوید «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ»^۵. مثلاً شده شما ببینید انسان بنشیند

با هم یک جور نباشد. ما کجاییم؟ چه کار داریم می‌کنیم؟ وقت‌هایمان را چه طور داریم تلف می‌کنیم؟ مثلاً یک وقت شما بگویید الحمدلله، من روی کره زمینی دارم زندگی می‌کنم که تو هستی، امام زمان، آقای من هستی، یادگار پیامبران، یادگار فاطمه، یادگار امیرالمؤمنین، حجت خدا، نماینده خدا، همین طور دائم می‌گویید الحمدلله، توجه می‌کنید الحمدلله، الحمدلله، الحمدلله، که اگر دعای تو نبود من نبودم، الحمدلله. دعای تو نبود، عنایت تو نبود، همین جور الحمدلله. بنابراین «احصاء لمنک» خدای متعال دوست دارد که انسان نعمت‌های متنوعی را که خدای متعال به او داده این‌ها را بشمارد. آن‌ها را که شروع کردی به شمردن چون قابل احصاء نیست «وَإِنْ

که. شما تصور کنید انسان در خلوت بنشیند همین جور الحمدلله. باور کنید یک کسی به من می‌گفت آقا جان ما مثلاً نفهمیدیم این تسییحات حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را می‌گویند ذکر کثیر یعنی چه. با هر کلمه‌ای روح شما تا عرش پرواز می‌کند به عنایت حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) چون پشتوانه عنایت مادر است. می‌برد تا عرش عظمت الهی. شما فقط توجه کنید به عظمت زهرا (سلام‌الله‌علیها) بعد بگویید الله اکبر. همین کافی است. این می‌شود همین ذکر تسییح. من جزو دوستداران امام حسین هستم، الحمدلله. حب الحسین در قلبم هست، الحمدلله الحمدلله الحمدلله. این قدر متنوع است حمد، شما اگر اهلش باشید یک شکلی برنامه‌ریزی می‌کنید هیچ وقت دو تا تسییحات نمازتان

تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا...»^۶ نمی‌توانید بشمارید، هرچه هم بگویید تمام نمی‌شود، نوبت به کمی‌ها و کسری‌ها و نداری‌ها و این‌ها دیگر اصلاً نمی‌رسد که تو این قدر ناله می‌کنی، چرا این جور روح خودت را خراب می‌کنی؟ روح خودت را، جان خودت را، زندگی خودت را، اصلاً نوبت نمی‌رسد.

مرحوم آیت‌الله بهجت (اعلی‌الله‌مقامه‌الشریف) می‌گفتند اگر یک وقت مثلاً یک جای شما مریض شد، مثلاً دست شما پای شما خدای نخواسته درد گرفت، یک جایی از شما مریض شد درد گرفت شما می‌خواهید درست بشود شروع کنید آن جاهایی را که درد نمی‌کند شکر کنید. اصلاً عالم آدم عوض می‌شود. امتحان کنید ضمن این که

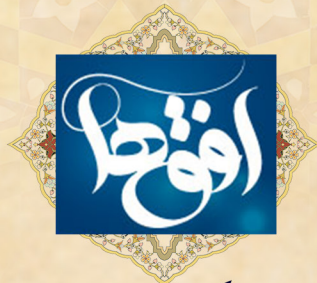
راه شفا هم هست. به عنوان معالجه، هم معالجه روانی است، معالجه جسمی هم هست. انسان مثلاً پایش درد گرفته حالا شروع کن خب من الحمدلله الان دارم می‌بینم. خدا نکند چشم درد، آن‌هایی که مبتلا هستند می‌گویند بی‌نظیر است. الحمدلله الان دندان درد ندارم، الحمدلله می‌توانم حرف بزنم، الحمدلله مغزم سالم است، قاطی نکردم که بی‌آبرویی کنم. می‌دانید این بالا یک کمی اختلال پیدا بشود دیگر خانواده‌ات هم تحملت نمی‌کنند، زود مرخصی. الحمدلله نه مثل این که سرجایش هست. آقا همین جور یکی یکی شروع کنید شکر کردن. بعد ما یک چیزهایی هم داریم که هیچ وقت نمی‌بینیم. آقا کبد، الحمدلله سالم است. کلیه، الحمدلله سالم است. قلب

«اللهم صل على محمد و آل محمد» الان دارد می زند، ریه دارد کار می کند. «و احصاءً لمتنک» انسان شروع کند تمامی ندارد ولی حالش خوب می شود. امیدوارم ان شاءالله خدای متعال حال مان را خوب کند.

«يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ
يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا
مُحَوِّلَ الْحَوَالِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ
حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ»

إِلَهِي بِحَقِّ مَنْ نَجَاكَ وَ
بِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ
وَ الْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقِرَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى
وَ الثَّرْوَةِ وَ عَلَيَّ مَرَضِي
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ
وَ الصِّحَّةِ وَ عَلَيَّ أَحْيَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِاللِّطْفِ
وَ الْكِرَمِ وَ عَلَيَّ أَمْوَاتِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ
وَ الرَّحْمَةِ وَ عَلَيَّ غُرَبَاءِ
الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرِّدِّ
إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ
بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.





افوغها؛ درنگی بر مسئله‌تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir © سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۴۸۵۹۵۹

۲ شنبه‌ها

از ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰
(۶ ماه اول سال)



تهران، خیابان سرچشمه
مجتمع فرهنگی شهدای هفتم تیر